

است. زیرا جامعه برای استفاده از کتاب و سایر منابع به کتابخانه روی می‌آورد و هر قدر مجموعه در پاسخ گفتن به نیازهای مطالعاتی جامعه موفق‌تر باشد، می‌توان گفت که کتابداران در مجموعه‌سازی متناسب با نیازهای جامعه موفق‌تر بوده‌اند. نگرشی که باید در این جا وجود داشته باشد رابطه مستمر و پویا بین مسئولان کتابخانه و جامعه است و طبعاً تنوع این جامعه به گسترش تمام شبکه است. در حقیقت با مجموعه‌سازی مناسب و مفید مسئولان به مردم نشان می‌دهند که برای آنها احترام قابل هستند و خواست و بهروزی آنها برایشان مطرح است. آنچه مورد اشاره قرار گرفت در مورد کتابخانه‌های عمومی ما مطرح نیست. عده‌ای به عنوان متولی، با شناخت بسیار کم از جامعه مراجعان برای کتابخانه‌ها کتاب انتخاب می‌کنند. بی‌گمان مناسب نبودن مجموعه یکی از دلایلی است که مراجعان فراوان معدود کتابخانه‌های عمومی کشور بیشتر از محل کتابخانه برای مطالعه شخصی استفاده می‌کنند و کتابخانه عمومی در امر کتابخوان کردن جامعه و اشاعه اطلاعات ناموفق است. زیان اقتصادی این امر نیز قطعاً قابل توجه است.

نیروی انسانی در تبیین رسالت کتابخانه در جامعه نقش اساسی دارد. کتابداران در واقع راهنمایان و معلمان صدها مراجعه‌کننده به کتابخانه عمومی هستند. کتابداران باید از رضایت و امنیت شغلی برخوردار باشند و برنامه‌های مناسب آموزشی برای آنان تدارک دیده شود. این فکر که مهمترین نقش کتابدار فهرست‌نویسی و رده‌بندی است به غلط در جامعه ما رسوخ پیدا کرده است. کتابدار باید فرهیخته، دانش‌طلب و دانش‌دوست

● کتابداران در واقع راهنمایان و معلمان صدها مراجعه‌کننده به کتابخانه عمومی هستند.

● این فکر که مهمترین نقش کتابدار فهرست‌نویسی و رده‌بندی است به غلط در جامعه ما رسوخ پیدا کرده است.

و جامعه‌شناس باشد و ارزش‌های راستین فرهنگی جامعه و محیط خود را بشناسد. با توجه به اطلاعات موجود، بسیاری از کتابداران از یک سو با مشکلات شغلی روبرو هستند و از سوی دیگر دوره‌های آموزشی موجود به هیچ وجه دارای توان لازم برای تربیت نیروی انسانی متناسب با نیاز کتابخانه‌های عمومی نیست. به همین دلیل در حال حاضر تعداد بسیار کمی از کتابداران قادر به ایفای نقش حقیقی خود به عنوان کتابدار مرجع و رابط بین منابع و مراجعان به کتابخانه‌ها هستند.

رسالت دیگر کتابخانه عمومی گسترده‌گی شبکه و نزدیکی آن

کنیم. تعارف نداریم. تا زمانی که مسأله توسعه و الگوهای آن مشخص نشده باشد؛ مخصوصاً در زمینه اقتصادی؛ تا زمانی که برنامه‌های توسعه در امر کتابداری و اطلاع‌رسانی را گروهی غیرمتخصص طراحی کنند، تا زمانی که سرانه خرید کتاب ۶۴ دینار باشد، تا زمانی که نظام ملی اطلاعات و جایگاه کتابخانه‌های عمومی مشخص نباشد و تا زمانی که به جای مدیر هر فرد غیرمتخصص و بی‌تجربه‌ای را به کار گیریم نه تنها کتابخانه‌های عمومی نقشی در توسعه فرهنگی نخواهند داشت بلکه اساساً سر پا ماندنشان مورد سؤال است. البته اذعان دارم که کتابخانه‌های عمومی در حال حاضر وجود دارند و هر از چندگاهی با هدایت مدیران لایق گام‌های مستحکم و استواری را برمی‌دارند ولی چون نقش کتابخانه‌های عمومی نقش شکل‌گرفته درون سیستمی شکل‌یافته نیست با تغییر مدیر تمام آن کارهای مثبت قبلی به فراموشی سپرده می‌شود.

نوش آفرین انصاری

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

### — به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— رسالت کتابخانه عمومی را می‌توان چنین خلاصه کرد: مجموعه‌ای جامع شامل کتاب و سایر منابع اطلاعاتی که در سراسر کشور به طور رایگان و سازماندهی شده با کمک کتابداران مجرب به نحو مطلوب در دسترس افراد جامعه قرار گیرد. دستیابی به این هدف با پشتوانه قانونی و مشارکت گسترده جامعه امکان‌پذیر است. با تصویب قانون مربوط، مسئولان مملکت می‌پذیرند که تأسیس و توسعه کتابخانه‌های عمومی جزو مسؤولیتهای دولت محسوب می‌شود و با ایجاد شوراهای محلی جامعه عملاً در کار تأسیس و گسترش کتابخانه دخیل و سهم می‌گردد. این قوانین در کشورهای مختلف، با توجه به نوع حکومت و شیوه تخصیص بودجه، تا حدودی متفاوت است.

لذا کتابخانه‌های عمومی عصر ما غالباً به صورت شبکه‌های گسترده در سطح جامعه عمل می‌کنند. توفیق نظام کتابخانه عمومی به مسائل مختلفی وابسته است، از جمله مدیریت نظام شبکه‌ای و مجموعه‌سازی و سازماندهی متناسب با نیازهای جامعه و اقتصاد ملی و خدمات عمومی و آموزش نیروی انسانی و ساختمان و تجهیزات و مشارکت و همکاری مردم و مانند اینها.

در باره هر یک از موضوع‌های یادشده فوق می‌توان مقاله‌های متعدد نوشت. در این یادداشت به سه موضوع به اختصار توجه خواهد شد: (۱) مجموعه، (۲) آموزش، و (۳) گسترش. مجموعه کتابخانه دارای مهمترین نقش در اعتلای کتابخانه



مؤثر کتابخانه عمومی را در توسعه فرهنگی به صورت کلی پذیرفت، مشخص کردن عینی این نقش دشوار است. اخیراً در هند مجموعه‌ای از نامه‌های رومن رولان به هنرمندان و سیاستمداران هندی منتشر شده است. موسیقیدانی به رولان می‌نویسد: گروهی را دعوت کنید که موسیقی مرا بفهمند. رولان در جواب می‌نویسد: آنچه را که جامعه از کار یک هنرمند دریافت می‌کند به هیچ وجه قابل پیش بینی نیست. سپس به هنرمند هندی اطمینان می‌دهد که احتمالاً هیچ کس ژان کریستف را چنانکه او در نظر داشته است نخوانده است ولی اثر به هزار شیوه دیگر خوانده شده است. وضع یک نهاد فرهنگی مانند کتابخانه عمومی نیز به همین منوال است. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد موضوع عدم تمرکز در بسیاری از فعالیتهای کتابخانه است. در یک نظام متمرکز، معمولاً چشمها همه به مرکز دوخته است، در حالیکه توسعه فرهنگی احتیاج به آزادی عمل بیشتر دارد. اگر جامعه با فرهنگ محیط خود آشنا شود، توسعه این آشنایی، آشنایی با فرهنگ‌های دیگر را امکان‌پذیرتر و صحیح‌تر خواهد کرد. مانند نظریه‌ای که در مورد کتابهای کودکان پذیرفته شده است: کودک را باید نخست با محیط خودش آشنا کرد، بعد با محیط بزرگتر. در حقیقت هر کتابخانه یک نهاد ویژه است و با کتابخانه‌های دیگر تفاوت دارد. همین نکته می‌تواند در توسعه

به مراجعان است. در نوشته‌های کتابداری در سراسر جهان نمونه‌های فراوانی از گسترش کتابخانه‌های ثابت و سیار در شرایط جغرافیای مختلف گزارش شده است. این شبکه‌ها کوشش می‌کنند کتاب و سایر منابع را به سهولت در دسترس جامعه قرار دهند. در این مورد نیز کمبودها بسیار است. از باب مثال کافی است به جستجوی کتابخانه عمومی در اطراف خیابان انقلاب و دانشگاه تهران که از مناطق نسبتاً پرجمعیت شهر است برویم تا متوجه شویم که چنین مرکزی در اختیار نیست. در حدود سال ۱۳۴۲ زمانی که با کتابدار بزرگ ایرانی، ایرج افشار، آشنا شدم «انجمن کتاب» - در انتهای کوچه بن‌بستی در خیابان انقلاب فعلی - کتابخانه عمومی کوچکی داشت و کتابدار محترم آن با روی خوش کتابها و مجله‌های جدید را در اختیار صدها جوان علاقه‌مند قرار می‌داد. ولی امروز که جمعیت این منطقه چند برابر شده است و کتابها و مجله‌های بیشتری منتشر می‌شود از کتابخانه عمومی خبری نیست. وقتی تعداد کتابخانه‌ها در تهران به قدر کافی نباشد، وضع شهرستانها نیز بهتر از این نخواهد بود. علی‌رغم کوشش بسیاری از کتابداران و فرهنگ‌دوستان و نوشته‌های متعددی که در ۲۵ سال اخیر در مورد ضرورت بازسازی نظام کتابخانه‌های عمومی منتشر شده، به نظر می‌رسد که حرکت واقعی این نهاد هنوز شروع نشده است.

### — توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— اگر فرهنگ را دستاورد انسان در گذر زمان و میراث هر جامعه بدانیم، توسعه فرهنگی را می‌توان درک ریشه‌ها، کشف هویت و دریافت استمرار تاریخی تعریف کرد. توسعه فرهنگی، جامعه امروز را با میراث گذشته پیوند می‌دهد و این پیوند و وحدت باعث اتکای به نفس و قدرت و عشق و احترام نسبت به زبان و هنر و سایر عناصر فرهنگی جامعه می‌شود و حرکت به سوی آینده را قدرتمندتر و پربارتر می‌کند. نکته قابل تأمل این که توسعه فرهنگی با سفارش و دستور و شعار اتفاق نمی‌افتد، بلکه نهادهای محکمی را می‌طلبد که نشانه‌های گذشته را با تدبیر و ظرافت در برابر نسل حاضر قرار دهند. از آن جهت است که انواع هنرها و ابنیه و آثار تاریخی و موزه‌ها و کتابخانه‌ها در امر توسعه فرهنگی از اهمیت فراوانی برخوردار هستند.

### — آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر دارد آن نقش چیست و چگونه متجلی می‌شود؟

— اگر کتابخانه عمومی به حقیقت بپذیرد که خدمتگزار جامعه است، هر حرکت آن در توسعه فرهنگی مؤثر خواهد بود. آنچه از اهمیت خاص برخوردار است، آزادی جامعه در کتابخانه عمومی است و این که مراجعان با آزادی، کتاب و سایر منابع مورد نظر خود را انتخاب می‌کنند و مورد خطاب «چنین کنید یا چنین نکنید» قرار نمی‌گیرند. ولی در عین حال که می‌توان نقش

### ● اگر کتابخانه عمومی بحقیقت بپذیرد که خدمتگزار جامعه است، هر حرکت آن در توسعه فرهنگی مؤثر خواهد بود.

فرهنگی مراجعان نقش بسزایی داشته باشد. جلوه‌هایی از این آزادی را می‌توان در تدارک مجموعه‌های خاص، ساختمان بنای کتابخانه، تزئینات داخل، و انواع فعالیت‌های جنبی مربوط به هر منطقه جست‌وجو کرد. در قسمت اول این مقاله به لزوم مشارکت مردم با مسؤولان کتابخانه‌ها اشاره شد، طبعاً هر چه میزان این مشارکت و همدلی بیشتر باشد نقش کتابخانه عمومی در توسعه فرهنگی بیشتر و مؤثرتر خواهد بود.

### — برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— هر چند پاسخ این سؤال مشکل است ولی شاید بتوان از تاریخ سود جست. فکر می‌کنم همه ما نقش فعال و پویای کتابخانه‌های عمومی در جهان اسلام را می‌شناسیم. در این نمونه‌های تاریخی چه در مساجد و چه در مدارس کتابخانه جزو بافت زنده و منسجم فرهنگی است که در زمان پویایی از کلیه جریانهای این بافت تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد و زمانی

به نژاد، ملیت، سن، جنس، مذهب، زبان، موقعیت اجتماعی و تحصیلی باز باشد». در بنیاد کتابخانه عمومی، هدف اجتماعی مافوق همه چیز است و کتابخانه را به منزله وسیله خدمتی اجتماعی می‌نگرند. هدف آن ایجاد امکاناتی برای همگان، براساس نیازها و موقعیتهاست تا بتوانند با دسترسی کامل به کتابها و پیشینه‌های مربوط به اشکال گوناگون، از بهره‌گیری آنها لذت ببرند. تکیه کتابخانه عمومی بر خدمت در سطح محلی است و معتقد است که فردی کتابخوان، شهروندی بهتر و ارزنده‌تر برای جامعه خواهد بود. کتابخانه عمومی موظف است نه تنها به برآوردن نیازهای موجود بپردازد، بلکه به برآوردن نیازهای آتی مردم نیز توجه کند.

### — توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— فرهنگ مجموعه‌ای از رسوم، ارزش‌ها و اعتقادات است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. به عبارت دیگر تجربه‌ها و اندوخته‌ها را ذخیره و منتقل می‌سازد. بنابراین همواره در آن عنصر جدید عرضه می‌شود. فرهنگ هر کشور حوزه‌ای گشوده است برای پذیرش اندیشه‌های گوناگون که برای بقاء خود نه تنها باید دست به تلاش و کوشش بزند، بلکه باید زمینه‌هایی برای رشد و بالندگی فراهم آورد. زیرا اگر موجودی بخواهد خود را حفظ کند و به رشد و توسعه خود بی‌توجه باشد امکان دارد که به علت نیرومند شدن دیگران، حتی توانایی نگهداری خود را نیز از دست بدهد. البته یک موجود بالنده باید بتواند از تجربه‌ها و دستاوردهای دیگران استمداد جسته، با بازاندیشی بر غنای آن بیفزاید. فرهنگ در زندگی روزانه جامعه نقش مهمی بازی می‌کند و از جایگاه والایی برخوردار است. روشهای سنتی اشاعه فرهنگ در قدیم برای نخبگان عمل می‌کرده است ولی امروزه فرهنگ در دورترین نقطه‌ها نفوذ کرده است و فرآورده‌های خود را در اختیار گروههای وسیع مردم قرار داده است. توسعه فرهنگی بدین معنی است که امکانات وسیع و گسترده برای دسترسی عامه مردم به فرهنگ فراهم آید. کاربرد آن، برآوردن نیازها و خواسته‌های افراد جامعه است که نهایتاً به بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود. انسان هم وسیله و هم هدف توسعه

که جامعه تحرک خود را از دست می‌دهد کتابخانه نیز از پویایی به رکود می‌گراید. فکر تأسیس کتابخانه‌های عمومی در دوره قاجار و زمان اقتباس مؤسسات تمدنی جدید از غرب به کشور وارد شد و تحول‌های فراوان پیدا کرد و تاریخی هم بر آن گذشت و قانونی هم برای آن تصویب شد. ولی همه این تحولات دریافت اداری، به صورت یک «اداره» و نه به صورت یک نهاد فرهنگی صورت پذیرفت. سؤالی که مطرح است این است که آیا اساساً می‌شود از یک تشکیلات اداری توقع پیوند مؤثر با توسعه فرهنگی داشت. قدر مسلم پیروزی بر بسیاری از مشکلات با توسعه فرهنگی ارتباط نزدیک دارد، پس اگر توسعه فرهنگی را از اهداف ضروری و آرمانهای عالی جامعه بدانیم، کتابخانه عمومی هم به طور طبیعی یکی از پایه‌های اصلی آن خواهد بود.

### مینوبه‌فروزی

عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد

### — به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— کتابخانه عمومی در نتیجه این اعتقاد که مطالعه کار پسندیده‌ای است و از گرایش به سرگرمیهای نامناسب می‌کاهد، موجودیت می‌یابد. کتابخانه عمومی در واقع همان‌جایی است که مردم هستند و رفع احتیاجات فرهنگی آنان ضرورت وجودی این‌گونه کتابخانه‌هاست.

کتابخانه عمومی چنانکه از نامش پیداست برای عموم افراد جامعه به وجود می‌آید و همگان مراجعه‌کنندگان بالقوه آن هستند. به عبارت دیگر همه کس حق استفاده از آن را دارد. به همین جهت باید موادی درخور همگان تهیه کند. کتابخانه عمومی کتابخانه‌ای است که خدمات آن برای لاردم یک اجتماع، بخش یا ناحیه رایگان باشد و تمام یا قسمتی از هزینه‌های آن از بودجه عمومی مملکت تأمین گردد. در بیانیه یونسکو آمده است: «کتابخانه عمومی باید به آسانی قابل دسترسی بوده و درهای آن به روی همه افراد بدون توجه

